

دکتر محمد اختر چیمه
دانشیار دانشکده دولتی
جرانواله — لائل پور

لطایف اویسیه^۱

تألیف

احمد بن محمود^۲

حضرت خواجه اویس قرنی رحمة الله عليه بی گمان افضل التابعین و از عاشقان نامدار سرکار دو عالم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است و میان اهل دین و عرفان اهمیت بی پایانی دارد . در کتب احادیث و اخبار و سیر در مورد مقام و منزلت وی سخنان بسیار منقول و مذکور افتاده است . سید علی بن عثمان هجویری در کتاب کشف المحجوب در باب فی ذکر ائمتهم من التابعین والانصار

-
- ۱- یگانہ نسخہ خطی آن در کتابخانہ دانشگاه پنجاب لاهور (پاکستان) بشماره ۶۷۰۲/۷۵۴ محفوظ است و فیلم و نسخہ عکسی آن در کتابخانہ مرکزی دانشگاه تهران (ایران) نگهداری میشود .
 - ۲- از شرح زندگیش اطلاعی بدست نیامد ، فقط اینقدر معلوم شده است کہ از مشایخ طریقه اویسی بوده و ظاهراً در قرن دوازدهم هجری در شبہ قارہ پاکستان و ہند می زیستہ است .

رضوان الله عليهم ، راجع به احوال و مقامات وی چنین آغاز نموده است : « آفتاب امت و شمع دین و ملت اویس قرنی رض از کبار مشایخ اهل تصوف بود و اندر عهد رسول عم بود اما ممنوع گشت از دیدار پیغمبر عم بدو چیز ، یکی بغلبه حال و دیگر بحق والده^۱ » شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در تذکرة الاولیاء در ترجمه حال وی چنین نوشته است : « آن قبله تابعین ، آن قدوة اربعین ، آن آفتاب پنهان ، آن هم نفس رحمان ، آن سهیل یمنی ، اویس قرنی رحمة الله علیه . قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم : « اویس القرنی خیر التابعین باحسان . وصف و ستایش کسی که ستاینده او رحمة للعالمین است ، به زبان من کجا راست آید ؟ ...^۲ »

باین طریق از پیغمبر اکرم علیه الصلوة والسلام گرفته تا امروز، پیوسته بزرگان و عارفان و نویسندگان به اویس ارادت و عقیدت ورزیده ، و در مناقب و مفاخر و مقامات وی کلمات و عبارات به تحریر در آورده ، و حتی بعضی ها در این مورد کتب و رسایی پرداخته اند . اما اینک قطع نظر از سخنان و مقالات و مؤلفات و مصنفات دیگر تنها به بررسی کتاب « لطایف نفیسیه در فضایل اویسیه » اکتفا می شود و در ضمن معرفی این کتاب درجات بلند و مراتب ارجمند خواهجه اویس خاطر نشان می گردد که بنا بر قول حجة الاسلام امام محمد غزالی در

۱ - به تصحیح ژوکوفسکی ، مطبوعاتی امیر کبیر تهران ، ۱۳۳۶ ش /

۲ - به تصحیح دکتر محمد استعلامی ، انتشارات زوار تهران ۱۳۳۶ ش / ۱۹

کتاب احیاء العلوم و کیمیای سعادت « امام و مقتدا اویس قرنی است رضی الله تعالی عنه^۱ » و بگفته امام یافعی « سیدالتابعین، محب محبوب حقانی، عاشق معشوق سبحانی حضرت خواجه اویس قرنی است^۲ ». کتاب لطایف اویسیه مشتمل بر دیباچه و بیست و چهار لطیفه و خاتمه است. دیباچه در حمد و ستایش ایزد تعالی، و صلوة و درود نبوی علیه السلام، و القاب و صفات اویس، و سبب تألیف و تاریخ و تسمیه آن؛ و لطایف در مناقب و فضایل و احوال و کرامات اویس و مختصات طریقت، و خاتمه در اهمیت و فضیلت مطالعه لطایف اویسیه نگارش یافته است. اکنون برای آشنائی بیشتر خوانندگان گرامی با مضامین و معانی کتاب و سبک و روش و نگارش آن از دیباچه و لطایف و خاتمه نسخه عبارتی کوتاه نقل می‌گردد.

آغاز این تألیف منیف باین طرز است: « بسم الله الرحمن الرحيم » خداوندا حمد و سپاس تو نامحصور و زبان درصفت و ستایش تو پرعجز و قصور و خود فرموده و قلیل من عبادی الشکور^۳:
 ثنای تو ای قادر کردگار برون از حد است و فزون از شمار
 ازل تا ابد گر شود حرف آن نیاید بگفتن یکی از هزار بار
 خدایا هر ستاینده را توئی مقصود، و کل ثناء الیک يعود، بلکه تو
 خود حامدی و محمود.

۱- لطایف اویسیه / ۱۵

۲- لطایف اویسیه / ۵۹

۳- قرآن کریم، ۱۳/۳۴

درچشم عیان شاهد و مشهود توئی

درقبله جان ساجد و مسجود توئی

بی نام و نشان قاصد و مقصود توئی

بی گوش و زبان حامد و محمود توئی^۱

و صلوات طیبات و تحیات زاکیات و تسلیمات نامیات نثار و

سزاوار ارواح معطر و مقدس معلی سرور کائنات مفخر موجودات ،

احمد مجتبی محمد مصطفی و ارواح یاران و پیروان او باد .

درود خدا بر روان تو باد بر اصحاب و بر پیروان تو باد.^۲

و بعد بقول مؤلف : « نموده می آید که این کلمه ایست چند

در بیان فضایل قدسیه و احوال علیه ذات ابوالبرکات ، سر ذات الهی ،

پرتو صفات نامتناهی ؛ مظهر انوار رحمانیه ، مظهر اسرار ربانیه ؛

مکین کنار نبوت ، امین اطوار فتوت ؛ مبارز میدان مجاهده ، مجاهد

ایوان مشاهده ؛ مقبول لایزال ؛ محبوب ذوالجلال ، سلطان ملت

مصطفوی ، برهان شریعت نبوی ؛ ملیک ممالک فقر و تجرید ، فارس

مضمار وحدت و توحید ؛ قطب ابدال ولایت ، مرکز دایره هدایت ؛

قبله تابعین ، قدوة زاهدین ؛ نفس رحمان ، آفتاب نهران ؛ سهیل یمن ،

خورشید قرن ؛ غوث الثقلین ، خواجه کونین ؛ بندگی حضرت خواجه

اویس بن عامر مرادی قرنی رضی الله تعالی عنه افاض الله تعالی علينا

۱- این رباعی از لمعات عراقی مع شرح جامی (اشعة اللمعات جامی)

مطبع بشیروکن / ۲۳ نقل شده است .

۲- لطایف اویسیه / ۲-۱

برکاته و اوصل علینا فتوحاته ، و فراهم آورد آن را درویش دلریش
معصیت آلود احمد بن محمود ، برهاند او را حضرت رب محمود از
قید زندان وجود ، و از آرایش هستی و بود ، که فی الحقیقت نیست
و هست نمود :

یارب مددی کن کز خودی خود برهم

از بد ببرم و از بدی خود برهم

درهستی خود مرا از خود بیخود کن

تا از خودی و بیخودی خود برهم ۱۰۰

چنانکه نویسنده کتاب پس از ذکر مناقب و مقامات و القابات
گوناگون حضرت اویس ، و اشاره به اسم خویش بعنوان مؤلف در
وضعیت و کیفیت کتاب و سال تألیف می نویسد که : « از کتب سیر
و اخبار و از کلام مشایخ و کبار رضوان الله تعالی علیهم اجمعین درهر
کتاب و درهر رساله که نقلی و روایتی و خبری حکایتی از احوال و
مناقب و کرامات آنحضرت رضی الله عنه می دید خوش دل و شادمان
می گردید و از خوشی چون در پوست نمی گنجید ، از کمال محبت
و فور عقیدت آنها را برورقها می نوشت و درقید کتابت می کشید . برین
روش روزگاری بگذشت و نقلهای بسیار و اخبار و حکایات بیشمار از
هر قسم جمع گشت ، درینولاکه از هجرت رسالت پناهی صلی الله علیه
و آله و سلم بعد یکهزار و یکصد و پنجاه و ششم سال میگذرد ، و از
خوف آنکه مبدا آن اوراق ازدست روند و پراکنده ضایع شوند ،

و به نیت آنکه یادگاری ماند و باعث نزول رحمت گردد که خواجه عالم علیه من التحیات و افضلها و من التسلیمات اکملها میفرماید عند ذکر الصالحین تنزل الرحمة یعنی وقت یاد کردن نیکوکاران فرود می آید رحمت خدای تعالی . پس آنهمه نوشته ها را با خود بتألیف داد و ملاحظه تقدیم و تأخیر باوجود قصور و ناتوانی و قلت استطاعت و هیچمدانی برشته ملائمت و علاقه مناسبت در سلك ترتیب منظم و مضبوط گردانید . پس آنرا يك رساله پرداخت . چون دلق درویشان ازهرجا اندوخته و چون مرقع گدایان پاره پاره بهم بردوخته ، بلك بقصد تیمن و استرشاد وسیله ساخت بجناب مآب آنخواجه کونین و غوث ثقلین رضی الله تعالی عنه . امید از الطاف و اکناف آنجناب واثق است که این متاع کاسد و بضاعت مزجات بمنصه حضور بحلیه قبول محلی گردد و باعث سرور انبساط روح پر فتوح مقدس و معلی شود رضی الله تعالی عنه .^۱»

سپس اسم کامل کتاب « لطایف نفیسیه در فضایل اوئسیه »^۲ یاد گردیده ، و در بیست و چهار لطیفه حالات و کرامات و مقالات و ملفوظات خواجه اوئسی قرنی شرح و بسط داده شده است که عناوین آنها عیناً مطابق نسخه برای اطلاع خوانندگان در زیر نگاشته می شود:

لطیفه اول : در اسم شریف آنحضرت و نام والدین شریفین وی و اسماء بزرگوار اجداد وی و تحقیق لفظ قرن و مسکن رض^۳ .

۱- ایضاً / ۳-۴

۲- ایضاً / ۵ اما ناگفته نماند در صفحه آخر نسخه عنوان اختصاری

کتاب « لطایف اوئسیه » مندرج است . ۳- ایضاً / ۵

- لطیفه دوم : درحلیه مبارک حضرت اویس رضی الله تعالی عنه^۱ .
 لطیفه سیوم : درمعاش آنحضرت از خورش و پوشش رضی الله
 تعالی عنه^۲
 لطیفه چهارم : درفضیلت و خیریت آنحضرت از تابعین و سایر
 صالحین رضی الله عنهم^۳
 لطیفه پنجم : درتحقیق صحابیه آنحضرت رضی الله تعالی عنه^۴
 لطیفه ششم : درمستور ماندن آنحضرت رضی الله تعالی عنه
 در دنیا و آخرت از آنحضرت رسالت پناه علیه من الصلوة افضلها^۵
 لطیفه هفتم : درمعنی و مراد حدیث پیغامبر علیه الصلوة والسلام
 انی لاجد نفس الرحمن من قبل الیمن^۶
 لطیفه هشتم : در رفتن آنحضرت رضی الله عنه برای ملاقات
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم^۷
 لطیفه نهم : در ملاقات امیر المؤمنین عمر و علی با حضرت اویس
 رضی الله عنه^۸
 لطیفه دهم : در تخصیص مرقع رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 به اویس قرنی رضی الله عنه^۹
 لطیفه یازدهم : در اخبار و آثار که دلالت بر بزرگی و جلالت

۱ - ایضاً / ۱۰ - ۲ - ایضاً / ۱۵

۳ - ایضاً / ۲۱ - ۴ - ایضاً / ۳۴

۵ - ایضاً / ۵۰ - ۶ - ایضاً / ۶۰

۷ - ایضاً / ۶۵ - ۸ - ایضاً / ۶۹

۹ - ایضاً / ۸۳

- حضرت اویس رضی الله عنه می کنند^۱
 لطیفه دوازدهم : در ملاقات هرم بن حسان بحضرت اویس و
 گرفتن وصیتها از وی رضی الله عنهما^۲
 لطیفه سیزدهم : در قصه و مناقب هرم بن حیان رضی الله عنه^۳
 لطیفه چهاردهم : در بعضی مناقب و فضائل آنحضرت رضی الله
 تعالی عنه^۴
 لطیفه پانزدهم : در بعضی کلمات و نصائح و وصایای آنحضرت
 رضی الله عنه^۵
 لطیفه شانزدهم : در بعضی حکایات که منقول است از آنحضرت
 رضی الله عنه^۶
 لطیفه هفدهم : در بیان ولایت باطنیه و پرورش غیبیه آنحضرت
 رضی الله عنه^۷
 لطیفه هیزدهم : در بیان مسکنت و فقر آنحضرت رضی الله عنه^۸
 لطیفه نوزدهم : در بیان سلسله علیه آنحضرت رضی الله عنه^۹
 لطیفه بیستم : در بیان تحقیق خرقة آنحضرت رضی الله عنه و
 تحقیق شکستن دندان و تحقیق ذکر و غیره^{۱۰}

۱ - ایضاً / ۹۳	۲ - ایضاً / ۱۰۳
۳ - ایضاً / ۱۱۰	۴ - ایضاً / ۱۱۱
۵ - ایضاً / ۱۱۶	۶ - ایضاً / ۱۳۹
۷ - ایضاً / ۱۴۵	۸ - ایضاً / ۱۵۲
۹ - ایضاً / ۱۵۹	۱۰ - ایضاً / ۱۷۵

لطیفة بیست و یکم : در بیان اعمال هفتگانه که بناء سلسله اویسیه بر آنست^۱

لطیفة بیست و دوم: در بیان صحت خرقه و ثبوت مصافحه و تحقیق سلسله از طریق حسن بصری رضی الله عنه^۲

لطیفة بیست و سیوم : در تحقیق وفات و شهادت آنحضرت رضی الله عنه^۳

لطیبه بیست و چهارم : در تحقیق قبور و تعداد مزارات آنحضرت رضی الله عنه^۴

احمد بن محمود در خاتمه کتاب خویش می گوید : « بحمدالله که با چندین کتابت بدستم آمد این دلکش لطایف ، بحمدالله که این دیرینه مقصود بفضل حق تعالی گشت موجود ، بحمدالله که این محبوب شیرین محلی گشت بعد ایام دیرین . حمد و سپاس بشمار خداوندی را که بتوفیق او بانمام رسید و این لطایف باختتام انجامید^۵ » و کاتب در اختتام نسخه می نگارد: « الحمد لله والمنت که تمام شد ملفوظ خواجه اویس قرنی رحمة الله علیه از ید احقر العباد میرزا لعل ملکیه » .^۶

از مطالعه لطایف اویسیه هویدا است که کتابی است جامع و ارزنده درباره خواجه اویس قرنی که با استفاده از کتب و تصانیف معتبر و معتمد برشته تحریر در آمده است . و مؤلف آن کوشیده است

۱- ایضاً / ۱۸۶

۲- ایضاً / ۲۲۰

۳- ایضاً / ۲۲۴

۴- ایضاً / ۲۳۸

۵- ایضاً / ۲۴۷

۶- ایضاً / ۲۴۹

که کلمات و عبارات در فضایل و مناقب خواجه منقح و منظم باشد ، چنانکه گاه از بزرگان متقدم و متأخر نقل قول کرده و در بیشتر موارد از منابع و مآخذ مهم با ذکر اسامی کتب مطالبی مستند را درج نموده است . خودش از سلسله اویسیه بوده و عقیدت فراوان به این طایفه داشته که در آخر لطیفه چهارم می نویسد : « می گویم من که مؤلف این سطور پر قصورم که در همه اوقات و در جمیع ساعات فخر و مباهات من آنست که الحمد لله والمنت له حمداً کثیراً کثیراً که مرید کمترین و معتقد کمترین این خاندان عالیشانم و اسیر حلقه این سلسله علیه بلند مکانم ، قبله صدق طلب و یقین اوست و سجده نیاز دل و جان بدوست .

من از جان بنده سلطان اویسم اگر چه یادش از چادر نباشد
خنک طالبان که خاک وی اند گرو گشته ذات پاک وی اند^۱

شیخ فریدالدین عطار در تذکرة الاولیاء خویش در پایان شرح حال خواجه اویس در باب سلسله اویسیه چنین ذکر می کند : « بدان که قومی باشند که ایشان را اویسیان گویند که ایشان را به پیر حاجت نبود ، که ایشان را نبوت در حجر خود پرورش دهد بی واسطه گیری ، چنانکه اویس را داد . اگر چه بظاهر خواجه انبیاء را علیه الصلوة والسلام ندید ، اما پرورش از وی می یافت . از نبوت می پرورد و با حقیقت هم نفس بود و این مقام عظیم و عالی است .^۲ صاحب لطایف اویسیه در مورد عقاید و اعمال سلسله اویسیه می نگارد که : « اساس طریقت اویسیه بر هفت چیز است ، اول پیروی رسول خدا صلعم ،

۱- ایضاً ۳۴ - ۳۳

۲- به تصحیح دکتر استعلامی / ۲۹ - ۲۸

دوم خلوت درانجمن ، سیوم خاموشی درسخن ، چهارم نظر برقدم ، پنجم هوش دردم ، ششم زهرنوشی ، هفتم پرده پوشی^۱ پیداست دراین کتاب علاوه بر مناقب و مقامات و مراتب و فضایل اویس قرنی ، اطلاعاتی ارزنده و گرانقدر راجع به سلسله اویسیه هم بدست میآید و بوسیله آن در تاریخ تصوف اسلامی راهی مهم و تازه باز می‌شود . و باید گفت که لطایف اولیه مشحون از لطایف و معارف و حقایق طریقت و معرفت و حقیقت باطنی اویسی است .



۱- لطایف اویسیه / ۱۸۶ و مخفی نماند از این اعمال هفتگانه خلوت درانجمن ، نظر برقدم ، هوش دردم ، در شرایط هشتگانه طریقت خواجگان نقشبند نیز برشمرده شده است .

رک : رشحات ، تألیف علی بن حسین واعظ کاشفی ، نولکشورکانپور

۲۰ / م ۱۹۱۱